[**www.iran57.com**](http://www.radioazadegan.com/Akhbare%20Rooz%20Apr%202016/www.iran57.com)

سخن روز

**به بهانه نامه اسماعیل بخشی کارگر هفت تپه در افشای شکنجه**

با درود به تمام آنان که شکنجه ها تحمل کردند و لب فرو بستند و نامی از رفیقان نیاوردند و در راه مبارزه سر دادند ولی سِر ندادند . داستان شکنجه در دو حکومت سلطنت و اسلامی یکی داستان است پر آب چشم . چه جانها که پاره پاره نشدند وچه بدن ها که قطعه قطعه به زیر خاک نرفتند . از میرزا رضای کرمانی تا ارانی و روزبه و وارطان و سپاسی..... و دیگران که تنها آوردن نام و یادشان کتاب‌ها میشود . طرح این امر به هر ترتیب که باشد وبه هر صورت که مطرح شود و زشتی و پلشتی شکنجه به نمایش گذارده شود، امری مثبت است . به طور قطع هر کسی  آن را آن گونه مطرح می‌کند که متناسب با خود او است . یکی آن را تنها به دوستان و نزدیکان می‌گوید، یکی ان را علنی و رسانه ای می کند و دیگری از آن فیلم و نمایشنامه می‌سازد و نویسنده ای هم داستانهایش را بر روی کاغذ می آورد.گاه برخی از نویسندگان بزرگ که در داستانهایشان شکنجه ها را گفته اند اما در خصوصی از شکنجه های بیشتری سخن میگفتند  این که مساله شکنجه به هر ترتیب مطرح شود و مورد شماتت قرار گیرد، آن هم در جامعه ما که متاسفانه شکنجه و آزار زندانیان برای حکومتگران به امری عادی تبدیل شده، ارزشمند است . داستان کهریزک را خود حکومتیان افشا کردند چرا که فرزندان خودشان مورد شکنجه قرار گرفته بودند،گویا برای آنان تا آن زمان شکنجه مفهومی نداشت، اما همین امر در رسوائی شکنجه گران بسیار موثر بود.

در قانون اساسی که در سال‌های اولیه پس از سرنگونی شاه نوشته شده، از آن‌جا که زشتی و پلشتی این امر تا حدود زیادی آشکار شده و بخشی از حکومتگران جدید خود مورد "الطاف ملوکانه" شکنجه قرار گرفته بودند به صراحت امر، شکنجه مردود اعلام می‌شود و شکنجه گر با هر بهانه مجرم شناخته می‌شود .

اما با افتادن آب‌ها از آسیاب سلطنت و جاری شدن امور به نفع اسلامیت با تشکیل دادگاه های شرعی، شکنجه این بار نه با نام "تمشیت" (که نام قدیمی آن بود و در زندان ها اطاق‌هایی به همین نام وجود داشت) بلکه این بار با نام "تعزیز"و اطاق های تعزیز و با شدتی بسیار بیشتر از دوران سلطنت برقرار شد و این بار دیگر قانون و با احکام صادره از طرف حاکمان شرع  بدون هیچ پرده پوشی و انکار در سرتاسر زندان‌ها و بازداشتگاه بر قرار شد. این امر نشان دیگری نیز با خود داشت و آن این که مبارزه برای آزادی و آزادیخواهی نه تنها با سقوط سلطنت  به پایان نرسیده بلکه فصل جدیدی آغاز شده که این بار نه تنها با استبداد حکومتی، بلکه از آن بالاتر، با استبداد دینی نیز رو در رو است.

از آن زمان تا کنون، نزدیک به 40 سال است که این بار امر "مقدس شکنجه" در لباس تعزیرات بر جسم و جان مبارزان و بسیار وحشتناک تر از دوران سلطنت، حاکم است و علاوه بر آن فتاوی تجاوز به زندانیان (و یا صورت شرعی آن به عقد دیگران در آوردن) با حکم حاکم شرع بر انواع شکنجه های سلطنتی اضافه شده و تا به امروز که دیگر دست بازجویان برای هر برخوردی با متهمان باز گذارده شده است و آنان متناسب با به قول خودشان "مورد سوژه" هر نوع برخوردی را که لازم بدانند، از قبل مجوزش را گرفته اند؛ مانند زمانی که کارگران معترض به شلاق محکوم می‌شوند چرا که آنقدر جرات یافته اند که حقوق عقب مانده خود را طلب کنند و...

دیگر باید خود حدیث مفصل زندان ها و اتاق های بازجوئی در بسته را بخوانیم و تصورات آن را در مخیله آوریم .

اما مسئله طرح شکنجه  با دو انگیزه مشخص از جانب حکومتگران اعمال می‌شود که همواره از جانب شکنجه شدگان بحث بر انگیز بوده است .در زمان حاکمیت سلطنت اغلب دختران و بعضا مردان بازداشتی توسط بازجویان به خصوص با باتون مورد تجاوز قرار می‌گرفتند که بسیاری از آنان بعدها در خاطرات خود چه به صورت شفاهی یا کتبی از ان سخن گفته اند. اما در همان دوران کمتر به صورت علنی در رسانه ها مطرح می‌شد و بیشتر به صورت خصوصی در محافل گفته می‌شد زیرا که دو تابو وجود داشت: یکی آنکه فرد تجاوز شده از نگاه سنتی مورد حقارت قرار می‌گرفت و دیگر آن‌که امکان ایجاد رعب و وحشت در میان مردم عادی از مبارزه به وجود می آمد که در حقیقت خواست حکومتگران بود .

افراد شکنجه دیده همواره متناسب با تشخیص خودشان با این امر بر خورد می‌کردند و به خصوص در سال‌های اخیر بسیاری از این تابوها شکسته شده و در باره شکنجه و شکنجه گر بیش از گذشته و بی پرده تر از آن می‌توان سخن گفت . پیشرفت رسانه ای و ارتباطات فضای مجازی همراه با محکومیت شکنجه از جانب افکار عمومی جهانی در سال‌های اخیر، کمی دست شکنجه گران را بسته و آنان را محدود کرده است، هر چند وقاحت آنان به حدی است که با تکیه بر قوانین شرع از آن دفاع می‌کنند . اگر در دهه شصت بار ها بارها مواردی مانند ستار بهشتی ها تکرار شده بود و کمتر پژواکی داشت، در سال‌های اخیر دیگر نمیتوان این موارد را پنهان کرد و جلوی انتشار خبر آن را گرفت .

مسئله شکنجه و زندان از مسائل با اهمیتی است که سدی بزرگ در برابر گسترش مبارزات است و حکومتگران تلاش می‌کنند با این سد در برابر مبارزان از گستردگی دامنه اعتراضات بکاهند؛ در نتیجه، مبارزان راه آزادی وکسانی که مورد شکنجه قرار می‌گیرند، امروز باید از هر طریق ممکن آن را به گوش مردم و جهان برسانند.  باید مبارزه ای همگانی را در این مسیر پیش برد .

اکنون به نظر میرسد که باید این امر مورد بازبینی مجدد قرار گیرد و باید شکنجه کارگران و زحمتکشان و تمامی آنان که به هر دلیل بازداشت می‌شوند، به عنوان جنایت علیه بشریت محکوم و شکنجه گران در دادگاه های بین المللی به محاکمه کشانده شوند. باید آمران و عاملان آن رسوا شوند و با افشاگری کاری کرد تا این پدیده زشت و پلید از جامعه رخت بر بندد و آن چنان قبح این مسئله آشکار شود که از این پس هیچ حکومتگری جرات پیدا نکند که به اسیر و زندانی که در اسارت او است، هیچ گونه تعرضی داشته باشد و یا حتا از پخش خبر شکنجه بخواهد برای ایجاد جو رعب و وحشت استفاده کرده تا به خیال خام خود جنبش اعتراضی مردمی را از حرکت باز دارد.

و از همه مهمتر، باید کسانی که با این افشاگری‌ها،  تبعات و تهدیدهای آن را به جان می خرند، مورد حمایت قرار گیرند.

کانون مدافعان حقوق کارگر دی 1397

[**http://www.kanoonm.com/3232**](http://www.kanoonm.com/3232)